

An Analysis of the Semi-Liberal System in the Criminal Law of Iran and France: With an Approach toward its Jurisprudential Foundations

Received: 17/03/2017; Accepted: 11/09/2017

Rouhollah Akrami¹
Farzane Seyfollahpour²

Abstract

The semi-liberal system is one of the institutions providing the opportunity of social activities for the prisoners to work outside the prison in order to reduce the harmful effects of imprisonment and facilitate the effective return to society after spending their conviction period. Despite the fact that the origin of the institution traces back to the system of gradual or Irish imprisonment in France, its adoption in line with the principle of applying the minimum imprisonment in the Islamic criminal law on the one hand, and its conformity with the doctrine of the religious teachings regarding the opportunity to work out of the prison on the other, provoked the legislator in 2013 to establish this French institution in the penal code of the country. In the present paper, through a descriptive-analytic method, it is attempted to study the status of the semi-liberal system in two systems of Iranian and French criminal law concurrently in order to identify the advantages and disadvantages of each one by means of demonstrating the existing similarities and differences.

Key words: Criminal Jurisprudence, Iranian Criminal Law, French Criminal Law, Imprisonment, Semi-Liberal System.



¹ Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: r.akrami@qom.ac.ir
² MA in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom.

تحلیلی بر نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکردی به مبانی فقهی آن

روح الله اکرمی^۱

فرزانه سیف الله پور^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۰۱/۲۸ - تاریخ پذیرش ۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

نظام نیمه آزادی در شمار نهادهایی است که در راستای تقلیل آثار زیانبار مجازات حبس و تسهیل بازگشت مؤثر محکوم به آغوش جامعه پس از تحمل محکومیت، فرصت فعالیت‌های اجتماعی محکومان را در خارج از زندان فراهم می‌سازد. به رغم آنکه خاستگاه نهاد مزبور به اجرای نظام تدریجی یا ایرلندی زندان در فرانسه بر می‌گردد، با وجود این اتخاذ آن در راستای اصل کاربرد کمینه‌ی حبس در فقه جزایی اسلام از یکسو و تطابق آن با آموزه‌های شرعی مبنی بر تمهید فرصت فعالیت خارج از زندان برای محکومین به حبس از سوی دیگر، قانونگذار مجازات اسلامی را در سال ۱۳۹۲ بر آن داشت تا این نهاد فرانسوی را در مقررات کیفری کشور تأسیس نماید. در نوشتار حاضر با روشی تحلیلی - توصیفی تلاش شده است تا به صورت مقارن موقعیت نظام نیمه آزادی را در دو نظام حقوق کیفری ایران و فرانسه مورد مطالعه قرار دهیم تا از طریق شناسایی وجوه تشابه و تفاوت محاسن و معایب هر یک شناسایی شود.

واژگان کلیدی: فقه جزایی، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری فرانسه، حبس، نظام نیمه آزادی



^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

r.akrami@qom.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.



مقدمه

نظام نیمه آزادی در شمار جایگزین‌های حبس به شمار می‌رود، به گونه‌ای که زمینه‌ی بازپروری محکومان را طی یک فرآیند قراردادی نمودن حقوق کیفری فراهم می‌سازد. به تعبیر حقوق‌دانان فرانسوی در نظام نیمه آزادی محکوم در طول روز و بدون نگهداری کار خود را در خارج از محیط زندان انجام می‌دهد، و شب‌ها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می‌کند» (پرادل، ۱۳۷۴: ۱۳۴؛ آنسل، ۱۳۸۸: ۳۱). ایشان نظام نیمه آزادی را از نظام کیفرهای پایان هفته‌ای تمیز می‌دهند که در آن «محکوم مجازات خود را به دفعات مستمر از جمعه شب تا صبح دوشنبه تحمل می‌کند و در روزهای کاری هفته به دنبال زندگی معمولی خود می‌رود» (آنسل، ۱۳۸۸: ۳۱).^۱

ریشه‌ی نظام نیمه آزادی را باید در راستای تلاش برای تقلیل آثار زیان‌بار حبس کاوید. مجازات حبس که از جمله تدابیر مورد توجه کلاسیک‌ها بود به نحوی که بتنام آن را مناسب‌ترین ضمانت‌اجرای کیفری جهت حصول اهداف مورد نظر از اعمال مجازات می‌دانست، در کشورهای غربی به دنبال انتقاداتی که به مجازات‌های بدنی وارد نمودند از یک‌سو، و پیشنهاداتی که مبنی بر تطبیق‌پذیری کیفر حبس جهت دستیابی به اهداف مورد نظر از اعمال مجازات از سوی مکاتب حقوق جزایی نظیر تحقیقی و دفاع اجتماعی مطرح شد به مجازاتی رایج در زرادخانه کیفری بسیاری از کشورها تبدیل شد. با گذشت زمانی نه چندان طولانی آثار سوء کیفر حبس در ابعاد مختلفی از قبیل تحمیل هزینه‌های زیاد به جامعه، ناکامی در اصلاح و بازپروری بزهکاران و تسهیل تکرار دوباره و اما جدی‌تر آنها در فعالیت‌های مجرمانه پس از رهایی از حبس به تدریج نمایان گشت. به گونه‌ای که مارک



^۱. Arrêts de fin de semaine



آنسل از بانیان مکتب دفاع اجتماعی نوین در خصوص آن می‌نویسد «انسان‌های سده بیستم زندان را مکان و وسیله‌ی بازپروری اجتماعی محکوم می‌دانند، اما حقیقت آن است که همه‌ی امیدها بر باد رفته است. زندان که می‌باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد از همان آغاز به صورت مدرسه‌ی تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است؛ به همین دلیل بود که کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی ۱۹۵۰ پاریس، که از اهمیتی بس مهم برخوردار شد، توانست قسمتی از کار خود را به مسأله "جرم‌زایی زندان" اختصاص دهد» (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۷). با وجود این در کنگره مزبور نظام نیمه‌آزادی تنها برای حبس‌های طولانی مدت مورد توجه قرار گرفته بود (Lopez-Rey and Germain, 1964: 97).

تحول دیدگاه‌ها نسبت به زندان را به انتشار کتاب تأملاتی پیرامون زندان‌های فرقه‌ای مذهبی اثر ژان میون کشیش فرانسوی در سال ۱۶۹۰ میلادی نسبت می‌دهند که با الهام از دین و بر مبنای اصول فردی‌سازی و انسانی‌سازی کیفر حبس چنان تأثیری بر جا نهاد که به تعبیر پرادل فرانسوی «کلیه‌ی مقررات نوین زندان‌ها که حاوی قواعدی در زمینه‌ی انضباط، بهداشت، کار، ملاقات، مدرسانی معنوی هستند و همچنین مقررات جدید زندان‌ها که در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۸۷ میلادی که مورد تصویب کمیته وزرای شورای اروپا قرار گرفت، همگی در کتاب کوچک میون جمعند» (پرادل، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۴). بعد از وی جان هوارد انگلیسی که خود گرفتار زندان در فرانسه شده بود، نتایج مطالعات خود درباره‌ی زندان را در سال ۱۷۷۷ میلادی به چاپ رسانید. بعد از انقلاب فرانسه آثار این دو نفر در تدوین قوانین و مقررات به ویژه در زمینه‌ی طبقه‌بندی و جداسازی زندانیان بسیار مؤثر بود (مارتینز، ۱۳۸۵: ۹۵ و ۱۷۵)؛ و از قرن نوزدهم میلادی زمینه‌ی شکل‌گیری نهضتی به وجود آمد که در راستای تقلیل پیامدهای مزبور به اصلاح رژیم‌های اجرای حبس و در شکلی فراتر به حبس‌زدایی منجر شد. نظام نیمه‌آزادی از جمله‌ی همین نهادهایی است که در تقلیل آثار حبس به کار گرفته شده است. با توجه به فراگیر نبودن تمایل در غالب قضات جهت کنار گذاشتن ضمانت اجرای حبس برای بزهکاران، نظام‌هایی مانند نیمه‌آزادی راهکارهای مناسبی هستند که به تعبیر برخی از صاحب‌نظران به جای خالی کردن زندان‌ها، در واقع تضمین آزادی بیشتری از افراد را مهیا می‌سازند (Cassani, 1983: 173).

تعلیمی در نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران در مقاله دیگری به مسائل قضایی آن





مقابله با آثار سوء حبس از طریق به کارگیری نظام نیمه آزادی در برخی از اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در ماده (۲۹) مصوبه مجمع عمومی موضوع قطعنامه شماره ۴۰/۳۳ در ۱۹۸۵ راجع به حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوان معروف به قواعد پکن بر تلاش دولت‌ها در فراهم ساختن ترتیبات شبه نهادی مانند: نصف اقامت در منزل، آموزش در منزل، مراکز آموزشی روزانه و یا سایر ترتیباتی که به جوانان در بازگشت مجدد و مناسب به اجتماع یاری رساند تأکید شده است. در برنامه ایدز سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۹ ترتیباتی برای پیشگیری از انتقال بیماری ایدز در زندان‌ها پیش‌بینی شده است که نظام نیمه آزادی در عداد این تدابیر مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق مواد (۴۹) و (۵۰) از بند (k) این سند بر ضرورت احتراز از محروم‌سازی زندانیان از نظام نیمه آزادی تأکید شده و آن را ترتیبی برای مراقبت‌های پزشکی، حمایت روانی و خدمات اجتماعی به زندانیان مبتلای به ایدز دانسته است.

در نوشتار حاضر تلاش شده است پس از بیان مختصری از پیشینه‌ی نظام نیمه آزادی، موقعیت آن را از منظر منابع اسلامی مورد بررسی قرار دهیم، و در ادامه به تحلیل مقررات آن در حقوق کیفری کشورمان پردازیم. از آنجا که قانونگذار ایرانی در تدوین مقررات نظام نیمه آزادی از قوانین فرانسه ملهم و متأثر بوده است، در بررسی مقررات موضوعه به شکل تطبیقی به موضوع پرداخته شده است.

۱. پیشینه نظام نیمه آزادی

خاستگاه حقوقی نظام نیمه آزادی را باید در حقوق کیفری کشورهای غربی از جمله فرانسه و نظام تدریجی^۱ یا ایرلندی زندان جستجو کرد. این نظام نخستین بار در سال ۱۸۲۸ میلادی به ابتکار هاید دو نوویل در یادار فرانسوی درباره محکومان به زندان به کار بسته شد و چندی بعد توسط والتر کرافتون در ایرلند به مرحله‌ی اجرا گذاشته شد. در سال ۱۸۴۰ میلادی کاپیتان ماکونوشی در جزایر نورفولک، نزدیک استرالیا، روش تدریجی را در مورد



^۱. Du système progressif



تبعید شدگان از انگلستان اجرا کرد. زندانیانی که کار و رفتار خوب داشتند از امتیازات بیشتری برخوردار می‌شدند. کاپیتان نیروی دریایی مذکور پس از مراجعت به انگلستان، روش مذکور را در زندان‌های ایرلانده به مورد اجرا گذاشت و روش مذکور رژیم ایرلانده نامیده شد (دانش، ۱۳۶۸: ۲۲۳).

مراحل روش تدریجی به این ترتیب است که در مرحله‌ی نخست، که روش انفرادی است، زندانی تحت ابورنین قرار می‌گیرد. در مرحله‌ی دوم، «روش مختلط»، زندانیان روزها به طور دسته‌جمعی کار یا تحصیل می‌کنند و شب‌ها به طور انفرادی در خوابگاه به سر می‌برند. سرانجام زندانی از روش نیمه‌آزادی بهره‌مند می‌شود (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۶: ۱۳۶). در صورت موفقیت‌آمیز بودن مراحل قبل نوبت به آزادی مشروط زندانی می‌رسد که پیش از اتمام دوره‌ی مجازات، پاداش رفتار پسندیده او خواهد بود، رفتاری که توأم با تضمیناتی است که وی برای تجدید انطباق اجتماعی خود می‌دهد، شایستگی او را برای این پاداش محرز می‌دارد و بنا بر گفته‌ی لئوته آزادی مشروط، پس از نیمه‌آزادی، دومین بند قبل از آزادی کامل است. روش مزبور که بین سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۸ در زندان‌های فرانسه به آزمایش گذارده شد و نتایج موفقیت‌آمیزی داشت، و نظام نیمه‌آزادی را به عنوان مرحله‌ی بینابین زندان و آزادی مشروط می‌پذیرفت، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۹۵۸ رسمیت یافت. (ناصری، ۱۳۵۱: ۵۸)

نظام نیمه‌آزادی علاوه بر آن که به عنوان یکی از مراحل روش فرابر یا تدریجی پذیرفته شد، که البته ناظر بر حبس‌های طولانی مدت بود، پس از اجرا در قلمرو حبس‌های تا حداکثر سه ماه در حقوق کیفری بلژیک در سال ۱۹۶۳ (Lopez-Rey and Germain, 1964: 97-) (۹۸)، بعدها در فرانسه نیز به موجب قانون مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ پذیرفته شد که طبق آن دادگاه صادرکننده‌ی حکم محکومیت، در صورتی که مدت محکومیت بیش از شش ماه نباشد، می‌توانست اجرای نیمه‌آزادی را درباره‌ی محکوم مقرر دارد. (ناصری، ۱۳۵۱: ۶۰)

تجلی نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران از نظر ادوگرادی بر مبنای آن



^۱ لازم به ذکر است در این دوره، اجرای نظام نیمه‌آزادی دارای پشتوانه‌ی قانونی نبود و از سال ۱۹۵۹ این روش متکی بر نص قانونی شد (Lopez-Rey and Germain, 1964: 93-94).



این نظام به محکوم اجازه می‌داد تا در خارج از مؤسسه زندان و بدون نظارت مداوم در شرایطی که کارگران غیر زندانی و آزاد دارند، به منظور ورود در آینده به جامعه یا به منظور مشارکت اساسی در زندگی خانوادگی خود یا به جهت اقدام درمانی، فعالیت حرفه‌ای آموزشی، فراگیری حرفه‌ای کارآموزی یا یک کار موقت داشته باشد. (جعفرزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۴). در فرانسه در بازه‌ی زمانی ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ به ۵۸۹۱ فرد امتیاز برخورداری از نظام نیمه‌آزادی اعطا شده است که در این میان، ۷۷٪ به جهت اشتغال، ۱۹٪ برای تحصیل، و ۴٪ به لحاظ سایر جهات نظیر حمایت مالی از خانواده خویش مشمول این نهاد ارفاقی شده‌اند (Ruggiero et al, ۱۹۹۵: ۸۴).

امروزه نظام نیمه‌آزادی، در حقوق کیفری فرانسه که برای نزدیک به ۳۱۱ جرم کیفر حبس مقرر داشته است (طغرانگار، ۱۳۸۷: ۳۵)، به دو صورت اجرا می‌شود. روش نیمه‌آزادی به عنوان مرحله‌ی پایانی اجرای حبس که میراث روش تدریجی یا فرابری است که در سال ۱۹۷۵ ملغی شده است، که وفق ماده (۱-۷۲۳) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه از سوی قاضی اجرای مجازات قابل اعمال است. حالت دوم روش نیمه‌آزادی به عنوان نوعی محکومیت کیفری و به عنوان نهادی مستقل حسب ماده (۲۵-۱۳۲) توسط دادگاه در مورد کسانی که حداکثر به دو سال حبس محکوم می‌شوند مورد حکم قرار می‌گیرد. هدف از روش نخست عمدتاً آماده‌سازی محکومین به حبس‌های طولانی برای بازگشت به جامعه، و در روش دوم پیشگیری از آثار حبس‌های کوتاه مدت است (Lopez-Rey and Germain, ۱۹۶۴: ۹۵).

پیشینه تأسیس نظام نیمه‌آزادی در کشور ما به آیین‌نامه اجرایی قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۴۷ بر می‌گردد که مقرر می‌داشت «در مورد اطفالی که مدت توقف آن‌ها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش ماه باشد، در آخرین ماه توقف چنانچه مدیر کانون، رفتار و وضع روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد،

^۱ در نوشتار حاضر به جهت رعایت ایجاز در کلام، از نیمه‌آزادی موضوع روش اول به عنوان نظام نیمه‌آزادی اجرایی و از روش دوم با تعبیر نظام نیمه‌آزادی اصلی یاد نموده‌ایم.





می‌تواند با اطلاع و پس از تأیید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است موافقت نماید که طفل روزها در خارج نزد کارفرمای مورد اعتماد کار کرده یا در آموزشگاهی که مورد موافقت کانون باشد تحصیل نماید و شب‌ها به کانون مراجعت کند». مطابق تبصره این ماده «مدیر کانون در این باره با کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه‌ی کار، تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله‌ی مددکاران اجتماعی یا نمایندگان که از این نظر تعیین می‌شوند نظارت خواهد داشت؛ در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله‌ی طفل مراتب فوراً جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام خواهد شد».

متعاقباً آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۵۴ در ماده (۵۱) ضمن تصریح بر عنوان «نیمه‌آزادی» و با تعمیم آن نسبت به دیگر محبوسین اشعار داشت «آن عده از زندانیان که واجد شرایط اشتغال به کار در مؤسسات صنعتی و کشاورزی خارج از زندان می‌باشند، در صورتی که در مؤسسات مذکور برای آن‌ها شغلی متناسب با استعداد و تخصص آن‌ها نباشد می‌توانند با استفاده از روش نیمه‌آزادی در مؤسسات خصوصی یا دولتی به کار گمارده شوند. در این صورت علاوه بر شرایط مذکور در ماده (۵۰) باید از مابقی مجازات آن‌ها بیش از یک سال باقی نمانده باشد».

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نوعی محدود از نظام نیمه‌آزادی تحت عنوان «حبس با خدمت» پیش‌بینی شد. مطابق این ماده «دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم‌علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز مدت حبس وی را که بیش از یک سال نباشد به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت محکومان مذکور به یگان مربوط یا مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می‌کنند معرفی شده و پس از پایان خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده نگهداری می‌شوند». دستورالعمل حبس با خدمت موضوع تبصره ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز در سال ۱۳۸۳ توسط رییس قوه قضاییه تصویب شد. مطابق ماده (۶) این دستورالعمل «چنانچه محکومیت‌های حبس در دادنامه‌های متعدد باشد، در صورتی که مجموع مجازات حبس آن‌ها بیش از یک سال نباشد





حبس با خدمت قابل اعمال است». چنانچه در حین اجرای مجازات حبس با خدمت، محکوم علیه به موجب رأی قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات یا به هر نحو دیگری از خدمت اخراج شود، یا در صورتی که نگهداری محکوم علیه در یگان یا مرکز نگهداری به علت ارتکاب تخلفات یا هر علت دیگری به تشخیص فرمانده یگان یا رییس مرکز نگهداری به مصلحت نباشد و یا در صورت ارتکاب جرم جدید، طبق ماده (۲۹) دستورالعمل اجرایی با پیشنهاد دادستان مجری حکم و موافقت دادگاه صادرکننده حکم حبس با خدمت یا دادگاه جانشین، بقیه مجازات حبس در زندان به اجرا در می‌آید.

در مقررات مزبور نیمه آزادی صرفاً به مثابه‌ی یک روش اجرای کیفر سالب آزادی دیده شده بود که اصولاً به تشخیص مجریان این امتیاز به محبوسین داده می‌شد که در حقیقت معادل همان نظام نیمه آزادی اجرایی در حقوق جزای فرانسه بود. برای نخستین بار نظام نیمه آزادی در قالب نهادی عام که مستقلاً مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شد که در نوشتار حاضر مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲. مبانی فقهی نظام نیمه آزادی^۱

بررسی رویکرد فقه نسبت به نظام نیمه آزادی مستلزم ایضاح موقعیت مجازات حبس در حقوق اسلامی است؛ چه این که در صورت احراز بنای سیاست کیفری اسلام در رویکرد حداقلی به حبس، نهادهای محدودکننده‌ی حبس نظیر نظام نیمه آزادی نیز با اجتماع شرایط در این راستا قابلیت توجیه را می‌یابند. در ادامه تلاش می‌شود نشانه‌هایی که بتوان تطابق آن را بر نظام نیمه آزادی مورد بررسی قرار داد اشاره خواهد شد.

۲-۱. جایگاه حبس در حقوق کیفری اسلام

در این قسمت می‌بایست مشروعیت ضمانت اجرای حبس را در دو قلمرو حد و تعزیر مورد بررسی قرار دهیم.

^۱ بخش مربوط به رویکرد حقوق اسلامی برگرفته از منبع ذیل است و منابع استنادی منقول از آن است: اکرمی، ۱۳۹۳:



۲-۱-۱. حبس‌های حدی

در عرصه حدود کیفر حبس در سه مورد تشریح شده است که به صورت مؤبد می‌باشند. در خصوص سرقت، اگر کسی دو مرتبه آن را انجام داده و هر بار حد بر وی جاری شود، در مرتبه سوم مجازات او حبس است، و در این زمینه علاوه بر روایات متعدد ادعای اجماع نیز شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۳۷). لیکن در مدت حبس اختلاف نظر وجود دارد، مشهور فقها مجازات مذکور را از نوع حبس ابد تلقی نموده‌اند، به گونه‌ای که محکوم تا پایان عمر باید در زندان بماند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۳۷؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۴۵؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۵۶۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۶۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۸۴؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۶۲)؛ مفاد برخی روایات وارد شده که بر تخلید سارق در زندان،^۱ در حبس ماندن وی تا زمان مرگ یا مؤبد بودن آن تصریح فرموده‌اند، دلالت بر حکم مذکور دارند. با وجود این بسیاری نیز معتقدند امام می‌تواند در صورت توبه او را آزاد سازد. برخی از معاصرین بیان داشته‌اند که مستندی برای موضع اخیر نیافته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۵۹۹؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۳۳۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۳۱)، و توبه‌ی محکوم را در سقوط مجازات حبس بی‌تأثیر دانسته‌اند (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۱۷۵). با وجود این برخی وجوه برای این نظر

^۱ نظیر «عن زراره عن أبي جعفر عليه السلام، في رجل سرق فقتعت يده اليمنى ثم سرق فقتعت رجله اليسرى ثم سرق الثالثة، قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام يخلده في السجن...»؛ در: شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۵-۶۴.

^۲ «عن محمد بن قيس عن أبي جعفر عليه السلام، قال: قضی أمير المؤمنين عليه السلام في السارق و لكنی اسجنه حتی يموت فی السجن» در: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴: ۱۴۲-۱۴۱.

^۳ «عن زراره عن أبي جعفر عليه السلام قال كان علی - صلوات الله عليه - لا یزید علی قطع اليد و الرجل و یقول إني لأستحیی من ربی أن أدعه لیس له ما یستنجی به أو یتطهر به؛ قال و سألته إن هو سرق بعد قطع اليد و الرجل؟ فقال: أستودعه السجن أبدا و أغنی عن الناس شره» در: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴: ۱۴۱.

^۴ در این زمینه برخی (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۸۰۲؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۵۹؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱۰: ۶۲۳) هر دو شرط توبه و صلاح‌دید امام یا حاکم را برای آزادی سارق از زندان مطرح نموده‌اند که مورد پذیرش مقنن در تبصره (۲) ماده (۲۷۸) قانون مجازات اسلامی قرار گرفته است؛ برخی هم صرفاً به اشتراط صلاح‌دید حاکم برای آزادی محکوم از حبس اشاره نموده‌اند (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۳۰؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۴۳۲؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۵۲۳)؛ عده‌ای هم مجرد توبه را موجب آزادی از زندان دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱: ۵۳۳؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۲۸۸؛ سبحانی، ۱۴۳۲: ۳۵۷).





ذکر شده است از جمله آنکه ممکن است اطلاعات ادله توبه مورد توجه قائلین بوده باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۳۳۲)، در این راستا استدلال شده است ادله‌ی ناظر بر توبه بر کلیه احکام اولیه حکومت داشته مگر در جایی که به صورت خاص مستثنی شده باشد، لذا با توبه سارق محکوم به حبس ابد از زندان آزاد خواهد شد (خالصی، ۱۴۱۳: ۵۷). یکی دیگر از وجوه مذکور برای این قول استظهار به برخی عبارات مندرج در روایات نظیر «و أغنی عن الناس شره» و «و کف عن الناس» است، که دلالت بر این امر دارد که از طریق محبوس کردن سارق، جامعه را از شر وی حفظ می‌نمایند، که بعد از تحقق توبه دیگر شری برای سارق متصور نمی‌باشد که ادامه‌ی حبس وی را توجیه سازد (منتظری، ۱۴۰۹: ۵۱۸).

دومین مورد از جرایم موجب حد که مستوجب حبس ابد است، ارتداد می‌باشد، که در صورت تحقق آن از سوی زنان، بر خلاف مردان که مستوجب مجازات اعدام می‌باشد، مستوجب حبس ابد است، که شرط ثبوت این مجازات آن است که فرد از پذیرش توبه امتناع نماید (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۷۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۵۳۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۹۰). مجازات حبس مذکور تا زمانی ادامه خواهد یافت که توبه نماید، و در صورت توبه از زندان آزاد می‌شود.^۲

سومین جرم حدی مستوجب حبس معاونت در قتل عمد از طریق دستور دادن به مباشر و نیز نگه داشتن مجنی‌علیه، به گونه‌ای که ارتکاب قتل از سوی قاتل را تسهیل نماید می‌باشد.^۳ در مورد حالت اخیر علاوه بر استناد بر اجماع (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۷۴؛ ابن زهره حلی، ۱۴۱۷: ۴۰۷؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱۱: ۴۰)، روایات متعددی نیز وجود دارد به

^۱ البته قول شاذی هم وجود دارد که عدم ثبوت مجازات حبس در صورت توبه را به حالت ارتداد ملی اختصاص می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۶).

^۲ برخی فقها پذیرش توبه را در صورتی مسقط مجازات حبس دانسته‌اند که مسبوق به رد آن متعاقب استتابه‌ای که از او به عمل می‌آید نباشد، لذا معتقدند در این صورت توبه‌ی بعدی وی حین تحمل حبس مؤثر در رهایی از حبس نخواهد شد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۷۰۰).

^۳ حدی دانستن مجازات مذکور حسب مبنای مختار برخی از فقها می‌باشد (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۷: ۱۹۶-۱۹۵)؛ عده‌ای آن را در زمره جرایم موجب قصاص تلقی نموده‌اند (فاضل لنکرانی، بی تا: ۵۴۰)؛ بعضی هم حبس ابد ممسک در قتل را تعزیر دانسته و امکان اختیار نوع دیگری از مجازات را برای حاکم پذیرفته‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۵۴).





نحوی که به حد استفاضه رسیده است، و در میان آن‌ها روایات دارای سند صحیح نیز وجود دارند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲: ۴۶). لیکن در مورد حالت دستور به قتل باید میان دو حالت قائل به تفصیل شد، چنانچه دستور توأم با اکراه و تهدید مباشر باشد، حبس ابد ثابت خواهد شد، مگر آنکه مباشر مجنون یا طفل غیر ممیز باشد که در این صورت آمر محکوم به قصاص می‌شود؛ لیکن در جایی که آمر، مأمور را اکراه نکرده باشد، برخی تصریح به ثبوت مجازات حبس ابد کرده‌اند (شوشتری، ۱۴۰۶: ۲۳۳؛ مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷: ۱۲۱)، اطلاق روایات وارده نیز مؤید این استدلال است، لیکن عده‌ای از فقها در این خصوص بیان داشته‌اند اگر آمر بر مأمور استیلائی نداشته باشد، به دلیل عدم اطلاق عنوان آمر بر فرد، حکم به حبس ابد فاقد توجیه است (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰: ۲۰).^۳

۲-۱-۲. حبس‌های تعزیری

برخی از فقها در عرصه‌ی کیفرهای غیر مقدر بر این اعتقادند اصل بر عدم جواز اعمال حبس به عنوان مجازات برای مطلق ارتکاب محرمات و ترک واجبات جز در موارد منصوص است. ایشان دلالت اغلب روایات بر حبس را به اعتبار اقدامی تأمینی جهت پیشگیری از تکرار بزه و معصیت از سوی مرتکب دانسته‌اند که ارتباطی با اجرای تعزیر ندارد (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۶ و ۵۵). تدقیق در روایات وارده این نکته را متبادر به ذهن می‌نماید حبسی که در ارتباط با جرایم تعزیری مطرح شده است، اصولاً به عنوان تدبیری پیشگیرانه یا بازداشت موقت و نه مجازات مطمح‌نظر بوده است؛ از این رو برخی وجه جمع حبس را با مجازات حدی و تعزیری در همین نکته دانسته‌اند که اصولاً به عنوان مجازات بدان نگریده نشده است (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۵۴).

^۱ چه بسا از ظاهر کلام علامه خویی نیز بتوان همین نکته را استخراج نمود، ر.ک: موسوی خویی، ۱۴۲۴، ۲۳۵.

^۲ «عن زراره عن أبي جعفر عليه السلام في رجل أمر رجلاً بقتل رجل فقتله، فقال: يقتل به الذي قتله و يحبس الأمر بقتله في الحبس حتى يموت» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۱۹).

^۳ لازم به ذکر است برخی نیز به طور مطلق ثبوت حبس ابد برای آمر به قتل را فاقد دلیل دانسته‌اند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵:

۱۱۸-۱۱۷) و عده‌ای از متأخرین نیز در آن توقف نموده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۸۴).





نصوص ناظر بر حبس مرتکبین فحشا و علمای فاسق، پزشکان جاهل و دارندگان مرکب کرایه‌ای (وسایل نقلیه) که مفلس هستند، گواه بر تدبیری پیشگیرانه بودن اعمال حبس است. در مورد حکم حبس برای سه دسته از متصدیان مناصب اخیر، برخی با الغای خصوصیت از روایت مربوط حکم حبس را به سایر افرادی که اهلیت تصدی شغل مورد اشتغال را ندارند و موجب زیان جامعه می‌شوند تسری داده‌اند (منتظری، ۱۴۰۹: ۴۸۳)، چرا که آسیب‌رسانی به جامعه در احکام حبس مزبور مشهود است؛ به عنوان مثال در تحلیل مفاد حکم ناظر بر حبس کرایه‌دهندگان مفلس و سیل نقلیه بیان شده است که ممکن است حکم مذکور یا از آن جهت باشد که این افراد گاه به میزان اجرت معین شده اکتفا نکرده و به اموال مسافران دستبرد می‌زنند، و یا به لحاظ نیازمندی مرکب و وسیله نقلیه به هزینه‌ها در بین مسیر و عدم توانایی صاحب آن بر تأمین هزینه‌ها باشد که سبب ایجاد زحمت و مشکلات برای مسافران می‌شود، لذا حبس مذکور یک نوع تدبیری است که از آسیب دیدن جامعه پیشگیری می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۷۵). نکته جالب توجه آن است که حتی در خصوص جرایم موجب حد نیز رویکرد پیشگیرانه در حبس ملحوظ است، به گونه‌ای که فرضاً در روایات ناظر بر حبس سارق، صراحتاً بر هدف محافظت از جامعه از گزند بزهکاری وی تصریح شده است.^۳

^۱ ر.ک. آیه شریفه ۱۵ سوره مبارکه نساء: «فأسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت أو یجعل الله لهن سبیلاً»؛ و نیز مفاد این روایت مشاهده شود: «عن عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله - علیه السلام - قال جاء رجل إلى رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - فقال إن أُمی لا تدفع ید لأمس، قال فأحبسها، قال قد فعلت، قال فامنع من یدخل علیها، قال قد فعلت قال فقیدها فإنک لا تبرها بشیء أفضل من أن تمنعها من محارم الله عزوجل»، (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۷۲-۷۳).

^۲ «أحمد بن أبی عبدالله البرقی، عن أبیه، عن علیّ علیه السلام قال: یجب علی الإمام أن یحبس الفسّاق من العلماء، و الجهّال من الأطباء، و المفالیس من الأکریاء...» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۱۹)؛ لازم به ذکر است برخی از فقها صراحتاً بر پیشگیرانه بودن حبس مطرح در روایت اخیر اشاره نموده‌اند، ابن سعید حلی در کتاب جامع للشرائع در این ارتباط می‌فرماید: «کان امیر المؤمنین علیه السلام یحبس جهّال الأطباء و مفالیس الأکریاء و فسّاق العلماء؛ حراسه منه للأبدان و الأبدان و الأموال» (ابن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۵۶۸).

^۳ مانند روایات زراره «... سألته (عن أبی جعفر علیه السلام) إن هو سرق بعد قطع الید و الرجل فقال أستودعه السجن أبداً و أغنی عن الناس شره»، (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴: ۱۴۱)؛ و در روایت دیگری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل





در برخی روایات نیز ظاهر حبسی که برای افراد تعیین شده است، نه به عنوان مجازات بلکه به مثابه‌ی توقیف احتیاطی و بازداشت موقت لحاظ شده است،^۱ مانند حبسی که برای افراد مدیونی که به رغم استطاعت، از پرداخت دین خویش امتناع می‌ورزند،^۲ حبسی که جهت الزام کفیل به آوردن مکفول صورت می‌پذیرد،^۳ حبسی که به منظور الزام به تصمیم‌گیری ایلاء‌کننده‌ای که از طلاق یا رجوع به همسرش خودداری می‌نماید،^۴ حبسی که برای فراری دهنده‌ی قاتل عمد از دست اولیای دم تا زمانی که قاتل تحویل داده شود در نظر گرفته شده است.^۵ همچنین در مورد اتهام قتل عمد نیز، حبس متهم مورد تصریح قرار گرفته که در صورت عدم اثبات دعوا از سوی اولیای دم رها می‌شود، در مورد اخیر هنوز جرم اثبات نشده و لذا این حبس، نه مجازات، که نوعی بازداشت موقت است و اتفاقاً در اخبار، مدت آن شش روز معین شده است.^۶

شده که فرمودند «... فَإِنْ عَادَ خَلَدَ السَّجْنِ وَأُجْرَى عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَ كَفَّ عَنِ النَّاسِ»، (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۶).

^۱ در برخی از آثار فقهی بر وجود ابعاد مذکور در قالب حبس تصریح شده است (صدر، ۱۴۲۰: ۱۱۵-۱۱۴)؛ قابل توجه آن که برخی اطلاق عنوان مجازات اعم از حد یا تعزیر را بر چنین مواردی صحیح نمی‌دانند (منتظری، ۱۴۱۷: ۳۴۵).

^۲ «الأصیح بن نباته عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قضی ... فی الدین أنه یحبس صاحبه فإن تبین إفلاسه و الحاجه فیخلی سبیله حتی یتستفید مالا و قضی علیه السلام فی الرجل یلتوی علی غرمانه أنه یحبس ثم یؤمر به فیقسم ماله بین غرمانه بالحصص فإن أبی باعه فیقسمه بینهم» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۳۲).

^۳ «عن إسحاق بن عمار عن جعفر عن أبيه عليه السلام أن علیا علیه السلام أتى برجل کفل برجل بعینه فأخذ بالمکفول فقال احبسوه حتی یأتی بصاحبه» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۰۹).

^۴ «عن حماد بن عثمان، عن أبي عبدالله عليه السلام قال فی المؤلی إذا أبی أن یطلق، قال: کان أمير المؤمنين علیه السلام یجعل له حظیره من قصب و یحبسه فیها و یمنعه من الطعام و الشراب حتی یطلق» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۱: ۶۶۸-۶۶۷).

^۵ «عن حریر عن أبي عبدالله عليه السلام قال سألته عن رجل قتل رجلا عمدا فرفع إلى الوالی فدفعه الوالی إلى أولیاء المقتول لیقتلوه فوثب علیهم قوم فخلصوا القاتل من أیدی الأولیاء؟ فقال: أری أن یحبس الذین خلصوا القاتل من أیدی الأولیاء حتی یأتوا بالقاتل...» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴: ۳۱۸-۳۱۷)؛ برخی با استناد به روایت مزبور فتوا بر حبس بزهار دادند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱۵۵).

^۶ «عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن النبی صلی الله علیه و آله و سلم کان یحبس فی تمهه الدم سته أيام، فإن جاء أولیاء المقتول بیینه، و إلّا خلی سبیله» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴: ۵۳۷)؛ برخی مطابق این روایت فتوا بر بازداشت بزهار دادند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱۵۰).





از مجموع آنچه بیان گردید، می‌توان این نتیجه‌ی تتبع برخی از معاصرین را تأیید نمود که «در حد برداشت خودم از متون اسلامی و مثلاً روایات و احادیث به این نتیجه رسیده‌ام که زندان در اسلام به عنوان یک مجازات در نظر گرفته نشده است، بلکه جنبه‌ی مجازاتی آن بسیار کم رنگ است، یعنی زندان بیشتر از دید اسلام، از دید خوب اسلامی و مبنای اسلامی به عنوان یک پیشگیری و ضرورت مطرح است نه یک مجازات، و همین امر سبب شده است که در متون ما و در احکام جزایی اسلام و مجازات‌های اسلامی و آنچه در فقه اسلام تبیین شده است و آن‌هایی که از منابع اسلامی به دست آمده است، زندان به عنوان یک مجازات مطرح نگردد مگر در موارد نادر. اگر انسان آن موارد را هم دقت کند و به جنبه‌ی غیر مجازاتی زندان، حالا چه تأدیبی و تربیتی باشد و چه پیشگیری باشد، توجه کند می‌بیند که برای حفظ جامعه از آسیب و جلوگیری از انتشار یک نوع مسایلی در جامعه است که مجازات زندان تعیین می‌شود و آن هم البته به عنوان ضرورت است» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳). از این رو باید موافق با این موضع بیان داشت که قانونگذار تا حد ممکن باید از تعیین مجازات حبس، جز در موارد منصوص، امتناع نماید زیرا زیان‌های فراوانی بر آن مترتب است (حسینی شیرازی، بی تا: ۳۳).

با توجه به اصل حداقلی بودن استفاده از مجازات حبس، به عنوان ضمانت اجرای کیفری برای بزهکاران، در حقوق اسلام، به تبع هر نهاد مؤثر در تقلیل قلمرو اجرای این مجازات یا آثار سوء آن، نه تنها با موازین اسلامی مغایرتی ندارد بلکه در راستای تطابق‌دهی بیشتر با موازین مزبور تلقی خواهد شد. نظام نیمه‌آزادی نیز در همین راستا از نظر فقهی قابل توجیه است چرا که سبب حفظ ارتباط زندانی با محیط خارج بوده و بازگشت مجدد او به دامان جامعه را تسهیل می‌سازد.

۲-۲. جایگاه نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری اسلام

برخی از صاحب‌نظران با استناد به روایاتی که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) جهت حفظ حقوق مردم، متهمین را چند روز و یا مقداری از روز حبس می‌نمودند، آن را همان روش نیمه‌آزادی قلمداد نموده‌اند (دانش، ۱۳۶۸: ۱۴۵)، باید گفت موضوع مورد استشهاد منصرف از نهاد نیمه‌آزادی است چرا که در آنجا بزهکاری فرد اثبات نشده تا به





حبس محکوم شود، که نوبت به بحث از روش نیمه‌آزادی برسد، بلکه اتفاقاً در آنجا فرد پس از آزادی متعاقب عجز شاکی از اقامه‌ی دلیل، دوباره حبس نخواهد شد، در حالی که در نیمه‌آزادی، محکوم پس از انجام فعالیت در خارج از زندان برای تحمل ادامه‌ی محکومیت به زندان بر می‌گردد. از این رو، راقم این نوشتار بدون ادعای شناسایی نظام نیمه‌آزادی با قالب کنونی در حقوق اسلام، بر آن است که نه تنها ریشه‌های مشروعیت آن را به بحث گذارد، بلکه اتفاقاً اجرای آن را مستظهر بر برخی مقررات خاص در حقوق اسلامی توصیف نماید.

در صدر اسلام، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) افراد را در خانه‌های معمولی که سایر مردم در آن سکونت داشتند و از نور و وسعت برخوردار بودند حبس می‌کردند. حتی همانگونه که سابقاً مذکور افتاد، در قرآن کریم حبس خانگی برای برخی از بزهکاران مورد تصریح قرار گرفته است؛^۱ در این راستا برخی از فقهای امامیه در ارتباط با محل حبس تصریح نموده‌اند در صورت مطالبه‌ی محکوم می‌توان او را در خانه‌ی خودش حبس نمود، منوط به آنکه تکلیف اضافی برای حکومت ایجاد ننماید (حسینی شیرازی، بی‌تا: ۱۹)؛ فقهای عامه نیز بر جواز حبس خانگی به عنوان تعزیر برخی از مجرمین فتوا داده‌اند (وزاره‌ی الاوقاف و الشؤون الإسلامیه الکویت، ۱۴۰۹: ۳۲۰). بنابراین حکومت اسلامی می‌تواند محکومین به حبس را نه در اماکنی خاص و جدای از محیط عادی اجتماعی، بلکه در شرایطی تا حد امکان سازگار با متعارف جامعه زندانی کند. برخی از محققین در همین راستا حبس شرعی را به معنای زندانی کردن فرد در مکان تنگ ندانسته‌اند و مقصود از حبس را تحدید آزادی عمل فرد قلمداد نموده‌اند که می‌تواند در خانه، مسجد یا قرار دادن او تحت مراقبت طرف دعوا باشد. ایشان در تأیید استنباط خود به برخی روایات نیز استشهد می‌نمایند (مقریزی، خطط، ج ۳: ۹۹ به نقل از منتظری، ۱۴۰۹: ۴۲۵-۴۲۴).

تعلیمی در نظام نیمه‌آزادی در حقوق کنونی ایران: از نظر ادب و دیگر مباحث فقهی آن



^۱ احمد وائلی، أحكام السجون بین الشریعه و القانون، ص ۱۱۷ به نقل از منتظری، ۱۴۰۹: ۴۶۹.

^۲ ر.ک. آیه شریفه ۱۵ سوره مبارکه نساء: «فأمسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت أو یجعل الله لهن سفیلاً».



چنانچه به هر دلیلی حاکم جامعه اسلامی تصمیم به حبس افراد در زندان و به دور از سایر اعضای جامعه بگیرد، بایسته است زمینه‌ی ارتباط زندانی با جامعه فراهم شود. از مهم‌ترین ساز و کارهای تأمین چنین هدفی اعطای آزادی محدود به زندانی جهت امور دینی، آموزشی و خانوادگی است.

در بعد تجویز خروج موقت زندانی از زندان جهت امور دینی روایات متعددی به دست ما رسیده است. چنان که بیان شده است حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) زندانیان بدهکار یا متهم را با اخذ تأمین برای نماز جمعه آزاد می‌فرمودند.^۱ هر چند روایت ناظر بر خروج محبوسین خاصی است، لکن برخی با الغای خصوصیت از روایات آن را از محبوسین مدیون و متهم به سایرین تعمیم داده‌اند و استدلال کرده‌اند چه بسا ذکر این دو دسته به جهت آن بوده که در آن روزگار اغلب افراد به همین جهات در حبس نگهداری می‌شده‌اند (منتظری، ۱۴۰۹: ۴۷۳-۴۷۴). به علاوه نماز جمعه نیز خصوصیتی ندارد چنانچه در روایت دیگری همین تکلیف در مورد نماز عید نیز بیان شده است؛ از همین رو برخی آزادی زندانی را جهت انجام مناسک حج، اعتکاف و شرکت در مراسم عزاداری آل‌البیت (علیهم‌السلام) را حق ایشان دانسته‌اند (حسینی شیرازی، بی‌تا: ۱۹-۱۸).

تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی از دیگر مواردی است که می‌تواند خروج زندانی از زندان را توجیه کند. در برخی آثار فقهی بر حق زندانیان جهت شرکت در عیادت بیماران، تشییع جنازه و حضور در مراسم عروسی وابستگان نشان تأکید نموده‌اند (حسینی شیرازی، بی‌تا: ۱۹). برخی از فقها با استفاده از روایات مبنی بر تجویز آزادی زندانی جهت

^۱ «عن جعفر بن محمد، عن أبيه «عليه السلام»: «أَنَّ عَلِيًّا «عليه السلام» كان يخرج أهل السجن من الحبس في دين أو تهمه إلى الجمعة، فيشهدونها، و يضمّنهم الأولياء حتى يردّونهم» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۷)؛ همچنین «عن جعفر بن محمد، عن أبيه «عليه السلام»: «أَنَّ عَلِيًّا «عليه السلام» كان يخرج الفساق إلى الجمعة، و كان يأمر بالتضييق عليهم» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۷).

^۲ «روى عبد الرحمن بن سيباه، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: قال: عليّ الإمام أن يخرج المحبسین في الدّین يوم الجمعة إلى الجمعة، و يوم العید إلى العید فیرسل معهم، فإذا قضاوا الصلاه و العید ردّهم إلى السّجن» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۱۹).





برگزاری نماز عید بیان داشته‌اند چه بسا بتوان اجازه‌ی رفتن زندانی را نزد خویشانش را بدهیم و اینکه محدوده‌ی آزادی را به اقامه نماز محدود نماییم بعید است (محسنی، بی تا: ۱۶۵). برخی نیز چنین اختیاری را در صورت صلاحدید حاکم بدون اشکال دانسته‌اند (طبسی، ۱۴۱۶: ۵۰۲). بعضی از فقهای عامه بر جواز حبس زنان نزد خانواده‌ی صالحشان تأکید نموده تا از طریق مشارکت‌دهی به خانواده در اصلاح ایشان گام بردارند (ابوغده، ۱۴۰۷: ۳۸۳). موضوع اشتغال نیز از جمله مسایلی است که بر اعطای آزادی در فعالیت زندانی نسبت به آن تصریح شده است. برخی از فقهای امامیه بر جواز ایجاد شغل برای زندانی تأکید نموده‌اند (طبسی، ۱۴۱۶: ۵۱۸)، در برخی روایات بر خارج کردن زندانیان بدهکار از زندان در راستای فعالیت جهت پرداخت دیون تصریح شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۰۰). فقهای شافعی و حنبلی و برخی از حنابله نیز بر جواز اشتغال زندانی تأکید نموده‌اند (وزاره الاوقاف و الشؤون الإسلامیه الکویت، ۱۴۰۹: ۳۲۱؛ ابوغده، ۱۴۰۷: ۴۳۵)؛ ایشان معتقدند به زندانی‌ها اجازه داده می‌شود در خارج از زندان به کسب و کار مشغول شوند تا نیروی انسانی آن‌ها معطل نمانده و به بی‌کاری عادت نکنند و اجتماع از بازده تلاش‌های سودمند آن‌ها بی‌نصیب نشود و عائله‌شان هم در محرومیت به سر نبرند (وائلی، ۱۳۶۴: ۲۵۷-۲۵۶). پر واضح است که اندیشیدن ساز و کاری برای اشتغال یا حرفه‌آموزی زندانی در محیط خارج از زندان، به ویژه در مواردی که رفتار موجب محکومیت او به نشأت گرفته از بیکاری و تنگدستی او باشد، در راستای موازین اسلامی قابل دفاع است.

۳. تحلیل نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

در این قسمت نظام نیمه آزادی را در دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه مورد مطالعه قرار می‌دهیم. اهمیت این مطلب از آنجا بیشتر آشکار می‌شود که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نظام نیمه آزادی را با اقتباس از مواد (۲۵-۱۳۲) و (۲۶-۱۳۲) قانون مجازات فرانسه وارد قلمرو نظام کیفری کشور نمود.





۳-۱. شرایط حکم به نظام نیمه آزادی

در ابتدا شرایطی که امکان صدور حکم به نیمه آزادی را میسر می‌سازد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱-۱. شرایط ناظر بر موضوع حکم

نظام نیمه آزادی تنها در خصوص مجازات حبس قابلیت اجرا دارد؛ از این رو ضمانت‌اجراه‌های دیگری مانند بازداشت بدل از جزای نقدی یا اقامت اجباری در مکان معین تخصصاً از شمول آن خارج خواهند بود.

حقوق دانان فرانسوی معتقد به پیاده‌سازی نظام نیمه آزادی هم نسبت به مجازات‌های کوتاه مدت و هم به عنوان مقطعی از رژیم پیشرفت مرحله‌ی تحمل زندان‌های درازمدت هستند (بولک، ۱۳۸۲: ۶۳). نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری فرانسه در جایی که به عنوان مرحله‌ی پایانی اجرای حبس طولانی مدت در نظر گرفته می‌شود [نظام نیمه آزادی اجرایی]، وفق ماده (۷۲۳-۱) قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص کسانی که یا مدت محکومیت به حبس ایشان بیش از دو سال نباشد یا آنکه بیش از دو سال از حبس ایشان باقی نمانده باشد قابل اعمال است؛ البته اگر محکوم تکرار کننده‌ی جرم باشد، مدت مزبور به یک سال تقلیل می‌یابد. اما نظام نیمه آزادی اصلی که از همان ابتدای اصدار حکم محکومیت در نظر گرفته می‌شود، تا قبل از اصلاحات سال ۲۰۰۹ به موجب ماده (۱۳۲-۲۵) صرفاً نسبت به کسانی که حداکثر به یک سال حبس محکوم می‌شدند قابل اجرا بود. با وجود این در اصلاحات اخیر همان ملاک مدت حبس مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری مورد حکم قرار گرفت. باید توجه داشت که ملاک مجازات قضایی است و از این رو حتی اگر مجازات قانونی جرم موضوع رسیدگی، حبس طولانی مدت باشد ولی دادگاه به کیفر تا یک سال حکم دهد، منعی در اتخاذ نظام نیمه آزادی وجود ندارد.

در حقوق جزای ایران، نظام نیمه آزادی تنها در مورد حبس‌های تعزیری قابل اعمال است، لذا در حبس‌های حدی امکان صدور حکم به نیمه آزادی وجود ندارد.^۱ با وجود این اطلاق



^۱ از این رو حبس‌های موضوع مواد (۲۴۴) و (۲۸۸) مشمول نظام نیمه آزادی قرار می‌گیرند.



ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی و عدم تخصیص تعزیرات منصوص شرعی از قلمرو نظام نیمه آزادی در تبصره (۲) ماده (۱۱۵) حکایت از تعمیم این نظام نسبت به تعزیرات منصوص و غیر منصوص دارد چرا که به رغم این که در برخی روایات حبس به عنوان تعزیر بزهکار مورد تصریح قرار گرفته است، شورای نگهبان ظاهراً از تعزیر منصوص چنین مصادیقی را مطمح نظر قرار نداده است، و این که در برخی نظرات خود از عبارت «شلاق‌های منصوص شرعی» استفاده نموده است مؤید چنین استنباطی است (اکرمی، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی نظام نیمه آزادی را به حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت، حبس از نود و یک روز تا پنج سال، محدود کرده است. ظاهر قانون حکایت از آن دارد معیار، مجازات قانونی و نه میزان حبس مقرر در دادنامه است.^۱ در مورد حبس‌های درجه هشت، کمتر از نود و یک روز، به جهت سیاست‌های مبتنی بر احتراز از حبس‌های کوتاه مدت، حکم به اجرای حبس داده نمی‌شود، اعم از آنکه حداکثر مجازات قانونی سه ماه حبس باشد و یا در سایر موارد چنانچه دادگاه نظر بر اصدار حکم به بیش از سه ماه را نداشته باشد، به ترتیب وفق ماده (۶۵) قانون مجازات اسلامی و بند (۲) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن، باید به کیفر جایگزین حکم داد، از این رو زمینه‌ای برای اجرای نظام نیمه آزادی باقی نمی‌ماند. در حبس‌های بیش از پنج سال نیز مقنن نظام نیمه آزادی را نپذیرفته است.

حبس موضوع نظام نیمه آزادی باید کیفر اصلی جرم باشد، لذا در مورد حبس بدل از مجازات تکمیلی موضوع ماده (۲۴) قانون مجازات اسلامی قابل اعمال نیست، خصوصاً آنکه حبس مزبور ناشی از تعهدناپذیری محکومی است که منطبق بر قرار نظام نیمه آزادی احراز التزام وی را اقتضاء می‌نماید (اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).^۲



^۱ برای دیدن نظر موافق ر.ک: حیدری، ۱۳۹۴: ۳۴۸؛ اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۰؛ مصدق، ۱۳۹۲: ۱۶۷؛ و برای دیدن دیدگاه مخالف که مجازات قضایی را معیار می‌دانند، ر.ک: شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۰؛ شکری، ۱۳۹۶: ۲۱۶.

^۲ برای دیدن نظر مخالف ر.ک: شکری، ۱۳۹۶: ۲۱۶.



در نهاد «حبس با خدمت» موضوع ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، اعمال این نهاد مشابه با نظام نیمه آزادی در مورد حبسی که مدت آن بیش از یک سال نباشد قابل اجرا است. مطابق ماده (۶) دستورالعمل حبس با خدمت که در سال ۱۳۸۳ توسط رییس قوه قضاییه تصویب شد «چنانچه محکومیت‌های حبس در دادنامه‌های متعدد باشد، در صورتی که مجموع مجازات حبس آنها بیش از یک سال نباشد حبس با خدمت قابل اعمال است».

در مورد ضمانت اجرای نگهداری اطفال و نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت با توجه به فراز پایانی ماده (۹۰) قانون مجازات اسلامی که اعمال تخفیف نسبت به آن را «مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی» ندانسته است؛ در شرایطی که می‌دانیم آزادی مشروط همانند نیمه آزادی فقط نسبت به حبس جاری می‌شود، بنابر مقتضای قاعده تفسیر به نفع متهم اجرای نظام نیمه آزادی که از مصادیق تخفیفات موضوع ماده (۹۰) می‌تواند محسوب شود، نسبت به ضمانت اجرای نگهداری در کانون نباید با مانعی روبرو باشد. هر چند ممکن است گفته شود با وجود جواز مقرر در قسمت تبصره (۲) ماده (۸۹) مبنی بر نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال که به نوعی مشابه نظام نیمه آزادی است، دیگر ضرورتی به حکم به نظام نیمه آزادی نیست، لکن با قطع نظر از تفاوت ماهوی تدبیر مقرر در تبصره با نظام نیمه آزادی باید پاسخ داد این حکم اختصاص به افرادی دارد که سن آنها در زمان ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است، و نسبت به افراد دوازده تا پانزده سال قابلیت اعمال ندارد، از این رو تمسک به نظام نیمه آزادی برای این دسته از افراد که مقنن در اقدامی قابل نقد در تبصره (۱) ماده (۸۸) جایگزینی برای آن پیش‌بینی نکرده است می‌تواند راهگشا باشد (اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

در نظام حقوقی فرانسه برای بزهکاران نوجوان روش جدیدی از توانبخشی باز تحت عنوان خانه‌های نیمه آزادی پیش‌بینی شده است که مطابق آن نوجوانانی که قابلیت نگهداری



^۱. foyer de semi-liberté



نزد خانواده‌هایشان را دارند، در صورت ناکارآمدی آن به تشخیص قاضی در خانه‌هایی با ظرفیت حداکثر بیست نفر اسکان داده می‌شوند به نحوی که همانند سایرین می‌توانند برای آموزش، کارآموزی و کار به بیرون بروند. تا حد ممکن باید فضای خانوادگی حکمفرما باشد و مربیان بسان والدین در یک خانواده متعارف برخورد نمایند و هدایت و ارشاد ایشان را عهده‌دار هستند. تعداد چنین خانه‌هایی در فرانسه بسیار کم بوده، از این رو در موارد ضرورت چنین افرادی به مدارس شبانه‌روزی و توان‌بخشی دولتی یا خصوصی فرستاده می‌شوند (Colin, 1954: 649).

۳-۱-۲. شرایط ناظر بر محکوم

نظام نیمه‌آزادی در صورتی قابل اعمال است که اولاً محکوم به آن رضایت داشته باشد، ثانیاً به انجام یک فعالیت مؤثر در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده تعهد بدهد و ثالثاً تأمین مناسب بسپارد.

۳-۱-۲-۱. رضایت

در نظام حقوقی ایران، موافق ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی رضایت محکوم از شرایط لازم جهت تجویز نظام نیمه‌آزادی است. مبنای اصلی الزام به رعایت چنین شرطی که در سایر نهادهای ارفاقی نظیر آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات دیده نمی‌شود، آن است که در اثر اعمال نیمه‌آزادی فرآیند اجرای حکم حبس طولانی‌تر می‌شود، زیرا در نظام نیمه‌آزادی مدتی را که محکوم در خارج از زندان به سر می‌برد جزء مدت محکومیت او به حساب نخواهد آمد، لذا بر فرض که کسی به دو سال حبس محکوم شود و دادگاه مقرر دارد که هر ماه، پانزده روز در زندان و پانزده روز دیگر را خارج از زندان به سر برد، پایان



^۱ برخی معتقدند مدت خارج از زندان جزء مدت محکومیت به حبس محاسبه می‌شود (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۱۷۰)، دیدگاهی که با توجه به ضرورت اجرای تمام مدت حبس موضوع حکم لازم‌الاجراء از یک سو و عدم تصریح مقنن بر لزوم احتساب این مدت که در برخی موارد دیگر مانند تبصره ماده (۵۰۳) و ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است از سوی دیگر قابل قبول نیست (جهت تفصیل ر.ک: اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).



محکومیت او چهار سال طول خواهد کشید. به همین مناسبت مقنن رضایت محکوم را که به نوعی پذیرش به تأخیر افتادن پایان اجرای محکومیتش می‌باشد را ضروری دانسته است.^۱ قانون مجازات فرانسه در مواد (۱۳۲-۲۵) و (۱۳۲-۲۶) نسبت به ضرورت رضایت محکوم جهت برخورداری از نظام نیمه آزادی سکوت اختیار نموده است؛ لکن در حقوق این کشور، محکوم با ارائه تقاضا به مرجع ذی ربط به طور فعال در تبدیل و اصلاح مجازات خود مشارکت و حضور دارد؛ این در حالی است که پس از این حضور، شخص زندانی در جریان تصمیم‌گیری نبوده و قاضی می‌توانست در صورت صلاحدید، شخص زندانی را در جریان تصمیم‌گیری نسبت به اقدامات خود در موارد مقرر با صدور قرار احضار به کمیسیون اجرای مجازات مشارکت دهد. با وجود این رویه قضایی نشان می‌دهد که این پیش‌بینی قانونگذار و اختیاری نمودن حضور زندانی بر حسب صلاحدید قاضی در جریان اتخاذ مستقیم، در بین قضات متفاوت بوده است و این امر را می‌توان عاملی در جهت الزامی نمودن حضور زندانی و اتخاذ تصمیم از طریق رسیدگی مبتنی بر تراضی محسوب نمود (لارگیه، ۱۳۷۸: ۱۶۲).

۳-۱-۲-۲. دادن تعهد به دادگاه

نیمه آزادی نظامی است که در راستای بازاجتماعی نمودن بزهکاران محکوم به حبس و پیشگیری از آثار منفی چنین مجازاتی در طول دوره‌ی تحمل حبس و پس از آن وضع شده است. تحقق چنین اهدافی در گروی آن است که بزهکار ضمن این دوره در فعالیت‌هایی که با از بین بردن عوامل جرم‌زا، زمینه‌های تقویت حس همبستگی اجتماعی نسبت به جامعه، خانواده خویش و قربانی جرم در او را رقم بزند مشارکت مسئولانه‌ای داشته باشد. از این رو محکوم باید نسبت به انجام برخی فعالیت‌ها تعهد دهد که این موارد به طور حصری در ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی بیان شده است و عبارتند از «فعالیت‌های شغلی، حرفه‌ای،

^۱ به زعم بعضی از حقوق‌دانان رضایت متهم برای تضمین کارآمدی این نظام است چه در غیر این صورت نمی‌توان از فعالیت‌های موضوع تعهد وی انتظار آثار اصلاحی را داشت و نوعی کار اجباری محسوب خواهد شد (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۴۷)، لیکن به نظر می‌رسد همین ملاک در تعویق و تعلیق مراقبتی و نیز دوره مراقبت به عنوان یکی از جایگزین‌های حبس وجود دارد، در حالی که مقنن آن‌ها را به رضایت محکوم مقید نکرده است، لذا مبنا را باید در همان طولانی شدن مدت اجرای حکم دانست (اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).





آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری»^۱.
 پر واضح است مجموع این فعالیت‌ها نمی‌تواند هم‌زمان و به طور مطلق موضوع تعهد محکوم
 قرار گیرد بلکه قاضی باید در میان آن‌ها مورد یا مواردی را برگزیند که به تعبیر مقنن «در
 فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است». زمان التزام محکوم به اجرای
 تعهدات تا زمان اتمام مدت محکومیت به حبس خواهد بود و هر گونه الزام وی برای ایام
 پس از سپری شدن مدت حبس و جاهتی ندارد.

در حقوق کیفری فرانسه نیز اعطای نظام نیمه‌آزادی مستلزم تعهد محکوم به انجام برخی
 فعالیت‌ها است. تا پیش از اصلاحات سال ۲۰۰۹، موضوع تعهد محکوم به قید حصر شامل
 فعالیت حرفه‌ای هر چند موقت متعاقب حرفه‌آموزی یا تعهد به دیدن دوره‌ی آموزشی،
 یادگیری حرفه یا یافتن شغل،^۲ مشارکت در زندگی خانوادگی،^۳ و نیز پیگیری مداوای
 پزشکی^۴ بود که در اصلاحات اخیر انجام اقدامات جدی در راستای توان‌بخشی اجتماعی
 برخاسته از فعالیت پایدار او در هر عرصه‌ی ناظر بر سازگاری یا بازسازگاری که از تکرار
 جرم وی پیشگیری کند نیز مطمح نظر قرار گرفته است.

۳-۱-۲-۳. سپردن تأمین مناسب

در جایی که متهم به مجازات حبس محکوم می‌شود، طبق ماده (۲۵۱) قانون آیین
 دادرسی کیفری قرار تأمین کیفری با شروع به اجرای حبس ملغی می‌شود؛ لذا قانونگذار در
 ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی در مورد محکومی که تحت نظام نیمه‌آزادی قرار گرفته و
 می‌بایست پیش از اتمام محکومیت مدتی را به منظور انجام برخی فعالیت‌ها در خارج از

^۱ به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان با توجه به عبارت «و نظایر اینها» در ماده (۵۶) قانون مجازات اسلامی، این فعالیت‌ها
 تمثیلی بوده و دادگاه با موافقت محکوم می‌تواند فعالیت‌های مثبت دیگری را تعریف کند (الهام و برهانی، ۱۳۹۶:
 ۱۷۰)، اما باید توجه داشت عبارت مزبور را نه به عنوان تمثیلی بودن فعالیت‌ها، بلکه باید در همان چارچوب
 فعالیت‌های منصوص در ماده (۵۷) تفسیر نمود که مواردی مانند مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان
 اعتیاد یا بیماری را در بر بگیرد (در این زمینه، ر.ک: اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

^۲. Activité professionnelle, même temporaire du suivi d'un stage ou de son assiduité à un
 enseignement, à une formation professionnelle ou à la recherche d'un emploi.

^۳. Participation essentielle à la vie de sa famille.

^۴. Nécessité de suivre un traitement médical.





زندان به سر برد، جهت تضمین اجرای دقیق حکم محکومیت اخذ تأمین مناسب از وی را ضروری دانسته است، بدون آنکه به طور واضحی چارچوب اختیار مرجع قضایی را در تعیین تأمین مشخص نماید که لازم است این قرار متناسب با شرایط اتهام، مرتکب و خسارات ناشی از بزه باشد. با وجود این با توجه به عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا در مورد تعهدات محکوم مشمول نظام نیمه‌آزادی از یک سو و سکوت مقنن در مورد هدف از اخذ تأمین در نظام نیمه‌آزادی به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مفاد ماده (۲۱۷) قانون آیین دادرسی کیفری، ضبط وثیقه و اخذ وجه‌الکفاله یا وجه التزام را باید محدود به صورتی بدانیم که محکوم مشمول نظام نیمه‌آزادی به زندان مراجعت نمی‌نماید، ولی تعمیم چنین ضمانت‌اجرائی به عدم رعایت تعهدات خارج از زندان با وجود فقدان نص چندان قابل توجیه نیست. ملاک تبصره (۲) ماده (۱۲۴) آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ نیز در تأیید این استظهار قابل استناد است.

در خصوص مرجع صالح جهت تعیین تأمین باید قائل به تفصیل شد. در مورد اعطای نظام نیمه‌آزادی حین صدور حکم، حسب ظاهر ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی این امر بر عهده دادگاه صادرکننده حکم است؛ اما در جایی که محکوم در اثنای تحمل محکومیت به حبس مشمول این نهاد می‌شود، بنابر ماده (۵۵۴) قانون آیین دادرسی کیفری قاضی اجرای احکام کیفری عهده‌دار تعیین قرار تأمین است.

در قانون مجازات فرانسه، بر خلاف قانون مجازات کشور ما صدور حکم به نظام نیمه‌آزادی مشروط به اخذ تأمین نشده است، لکن حسب ماده (۲-۷۲۳) قانون آیین دادرسی کیفری قاضی اجرای مجازات شیوه‌ی اجرای نظام نیمه‌آزادی را معین می‌کند. در این راستا وی تأمین‌های لازم جهت نیل به اهداف از برقراری این نهاد را اخذ خواهد نمود.

۳-۱-۳. شرایط ناظر بر محکوم‌له

قانون مجازات اسلامی در ماده (۵۷) گذشت شاکی را در عداد شرایط اعطای نظام نیمه‌آزادی بیان نموده است. اشتراط چنین امری به معنای آن است که قلمرو این نظام تنها به جرایم غیر قابل گذشت محدود می‌باشد زیرا در جرایم قابل گذشت، گذشت شاکی موجب موقوفی تعقیب یا اجرای حکم خواهد شد و دیگر محلی برای چنین نهادی باقی نمی‌ماند.





رویکردی که با سیاست‌های حبس زدایی و کاهش آثار سوء حبس در تغایر است. از این رو بهتر بود مقنن به جای ضرورت تحصیل گذشت شاکی یا دست کم در عرض آن گزینه‌های جایگزینی مانند جبران خسارت وارده به بزه‌دیده یا دادن ترتیب پرداخت آن در مدتی مشخص با موافقت بزه‌دیده را شرط می‌نمود.

به رغم اطلاق قانون در مورد لزوم گذشت شاکی باید آن را به مواردی محدود کرد که جرم دارای شاکی است، بنابراین در مورد جرایم فاقد جنبه‌ی خصوصی، به دلیل انتفای وجود شاکی، سخن از چنین شرطی نیز وجاهتی ندارد. ملاک رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶-مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ که گذشت شاکی را در کلیه‌ی جرایم مستوجب جایگزین حبس ضروری ندانسته است نیز می‌تواند به عنوان مؤیدی برای تقویت چنین استنباطی دانست. با وجود این جهت احتراز از تفاسیر ناصواب در این خصوص شایسته است مقنن از تعابیری همانند آنچه که در مقرراتی مانند ماده (۸۱) قانون آیین دادرسی کیفری به کار برده است استفاده نماید. در حقوق کیفری فرانسه گذشت شاکی در عداد شرایط اعطای نیمه‌آزادی قلمداد نشده است.

۲-۳. فرآیند حکم به نظام نیمه‌آزادی

صدور حکم مبنی بر نظام نیمه‌آزادی چه ضمن صدور رأی محکومیت و چه در اثنای اجرای حکم، در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اعم از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر است؛ ملاکی که هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱-۱۳۹۲/۸/۲۸ به آزادی مشروط هم تعمیم داده است.^۱

بر خلاف نظام آزادی مشروط که صدور حکم متوقف بر پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام است؛ در مورد نظام نیمه‌آزادی، وفق ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی دادگاه رأساً یا بنابر تقاضای محکوم در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌کند. قانون آیین دادرسی

^۱ بعضی بیان داشته‌اند دادگاه بدوی نمی‌تواند ضمن حکم محکوم را از این نظام بهره‌مند سازد، مگر آنکه پرونده به دادگاه تجدیدنظر نرود مانند آنکه رأی قابل تجدیدنظر نباشد و یا محکوم حق تجدیدنظر خواهی خود را اسقاط نموده باشد (مصدق، ۱۳۹۲: ۱۶۸)؛ دیدگاه مزبور به لحاظ مغایرت با اصول حقوقی و رویه قضایی کشور قابل پذیرش نیست.





کیفری در ماده (۵۵۳) حق پیشنهاد را به قاضی اجرای احکام کیفری پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه‌ی مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری را نیز داده است. با وجود این دقت در مقررات قانونی حکایت از آن دارد که اعطای نظام نیمه‌آزادی حین صدور حکم تنها به صلاح‌دید قاضی صادرکننده رأی بستگی دارد و حتی تقاضای متهم الزامی برای دادگاه در رسیدگی ایجاد نمی‌کند. لکن در اثنای اجرای حکم، درخواست محکوم یا قاضی اجرای احکام دادگاه را مکلف به رسیدگی می‌کند هر چند تقاضا یا پیشنهاد، الزامی در اعطای چنین ارفاقی به محکوم ایجاد نمی‌کند چرا که بر خلاف باور برخی از حقوق‌دانان (شمس‌ناتری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۰) برخورداری از این نهاد حق محکوم محسوب نمی‌شود.

حکم دادگاه به نظام نیمه‌آزادی که در حقیقت متضمن محکومیت شخص به حبس تعزیری درجه پنج تا هفت می‌باشد، مشمول اطلاقات مقررات قانونی مانند ماده (۴۲۷) قانون آیین دادرسی کیفری بوده و به تبع محکومیت به حبس، خود نظام نیمه‌آزادی نیز می‌تواند مورد اعتراض قرار گیرد، از این جهت که مثلاً نحوه‌ی توزیع مدت داخل و خارج از زندان یا نوع تعهدات را مناسب اهداف اصلاحی یا جبران خسارات بزه‌دیده ندانند، یا نسبت به تناسب تأمین اعتراض داشته باشند. با وجود این در مورد ماهیت تصمیم دادگاه به نظام نیمه‌آزادی در طول تحمل محکومیت حبس، قانون‌چندان روشن نیست؛ قانون آیین دادرسی کیفری در موادی مانند ماده (۵۵۵) به رغم اینکه از مواردی چون آزادی مشروط تحت عنوان «حکم» و مواردی مانند تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات با اصطلاح «قرار» یاد نموده است، در خصوص نیمه‌آزادی در مواد (۵۵۳) و (۵۵۴) تحت عنوان «تصمیم» یاد نموده است که وفق ماده اخیر پس از موافقت دادگاه، دادسرا دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر می‌کند؛ با وجود این باید وفق ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی آن را حکم بدانیم، هر چند چنین حکمی که پس از قطعیت حکم اولیه صادر می‌شود، قابل اعتراض نیست، همانند احکامی که در تخفیف یا تشدید مجازات‌های جایگزین حبس پس از اجرا صادر شده و





قطعی می‌باشند.^۱ مطابق ماده (۵۵۵) قانون آیین دادرسی کیفری حکم دادگاه و آثار عدم التزام محکوم باید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ شود که به نظر ابلاغ آن بیش از آنکه به شاکی ضرورت داشته باشد، می‌بایست نسبت به شخص محکوم صورت پذیرد.

قانون مجازات فرانسه در ماده (۱۳۲-۲۵) صدور حکم به نظام نیمه آزادی را در صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به دعوا دانسته است که باید ضمن صدور حکم نسبت به آن تعیین تکلیف شود که البته این امر ناظر بر نظام نیمه آزادی اصلی است که قاضی از همان نخستین روز محکومیت به حبس می‌تواند محکوم را تحت نظام مزبور قرار دهد (Lopez-Rey and Germain, 1964: 95). اما قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در ماده (۷۲۳) همین اختیار را برای قاضی اجرای مجازات پیش‌بینی نموده است که ضمن اجرای حکم حبس، آن را به نظام نیمه آزادی تبدیل نماید.

۳-۳. آثار حکم به نظام نیمه آزادی

چنانچه فرد مشمول نظام نیمه آزادی به حبس تعزیری درجه شش یا هفت محکوم شده باشد، هیچ‌گونه اثر تبعی بر محکومیت وی مترتب نخواهد شد. با وجود این در صورتی که به حبس درجه پنج محکوم شده باشد، مطابق ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی از زمان قطعیت حکم تا دو سال پس از اجرای حکم به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم می‌شود، بنابراین در طول اجرای نظام نیمه آزادی نیز آثار تبعی محکومیت شامل وی خواهد شد. ملاک تبصره (۳) ماده (۲۵) مؤید این مطلب است. افزودنی است در این حالت چنانچه در طول مدت تحمل دوره‌ی محکومیت تا قبل از سپری شدن موعد پیش‌گفته و حصول اعاده حیثیت، محکوم مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش شود، با رعایت قاعده تکرار جرم مجازات جرم مکرر وی تشدید خواهد شد.

قانونگذار مجازات اسلامی در مورد اثر ارتکاب جرم یا عدم پایبندی به تعهدات در طول تحمل دوره‌ی محکومیت از سوی فردی که مشمول نظام نیمه آزادی قرار گرفته است،



^۱ برای دیدن نظر موافق ر.ک: صالحی، ۱۳۹۵: ۳۷.



سکوت دارد. برخی ضمانت اجرای ارتکاب جرایم موضوع مواد (۴۴) و (۵۲) قانون مجازات اسلامی و تخطی از تعهدات را الغای نظام نیمه آزادی دانسته‌اند (آماده، ۱۳۸۹: ۸۷؛ و نیز حیدری، ۱۳۹۴: ۳۵۱). بعضی از قائلین به این مبنا از وحدت ملاک ماده (۶۱) قانون مجازات اسلامی (شکری، ۱۳۹۶: ۲۱۶-۲۱۵) و بعضی از مناطق تبصره ماده (۱۶) قانون مبارزه با مواد مخدر که در مورد معتادان به مواد مخدر و روان گردان متجاهر به اعتیاد مقرر داشته است ضمن تعلیق تعقیب، در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند، و در صورت عدم رعایت تکالیف قانونی به حبس از نود و یک روز تا شش ماه محکوم استفاده نموده‌اند (آماده، ۱۳۸۹: ۸۷). با قطع نظر از این که تسری مقررات خاص به نظام نیمه آزادی به منزله‌ی اعمال قیاس و تفسیر موسع مقررات کیفری به ضرر متهم است، با توجه به سکوت مقنن در مورد ضمانت اجرای نظام نیمه آزادی به قرینه‌ی تصریح به چنین ضمانت اجرایی در خصوص دیگر نهادهای مساعد مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و جایگزین‌های حبس باید تا زمان اصلاح قانون مرجع قضایی را صرفاً مجاز به الزام محکوم به اجرای تعهدات خویش به طرق ممکن دانست و ضمانت اجرایی جهت الغای نظام نیمه آزادی وجود ندارد (اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

در سایر نظام‌های حقوق کیفری نسبت به ضمانت اجرای نقض مقررات و تدابیر در طی مدت اجرای نهاد نیمه آزادی صریحاً تعیین تکلیف شده است. در کشور فرانسه، ماده (۲) - ۷۲۳) قاضی اجرای مجازات می‌تواند نیمه آزادی را لغو نماید و آن را به مجازات زندان باز یا نظارت الکترونیکی تبدیل نماید. در حقوق ایتالیا که از نظام نیمه آزادی با عنوان «all'aperto» یاد می‌شود (Plawski, 1973: 379)، با از دست دادن شغل محکوم یا تخطی وی از تعهداتی که بر عهده گرفته است و نیز بازنگشتن به زندان بدون عذر موجه نظام نیمه آزادی لغو می‌شود. در حالت اخیر چنانچه غیبت از دوازده ساعت کمتر باشد الغای نظام نیمه آزادی اختیاری خواهد بود (Di Amato, 2011: 133).





در پایان ذکر این نکته لازم است که اگر در نظام حقوقی کشورمان قائل به الغای نهاد نیمه آزادی در صورت ارتکاب جرم یا نقض تعهدات از سوی محکوم شویم، بر خلاف نظر برخی که معتقدند محکوم باید کل مجازات حبس را تحمل نماید (زراعت، ۱۳۹۳: ۳۱۴)؛ همانند موضعی که در بند (۲) ماده (۵۳) قانون کوزوو پیش‌بینی شده است صرفاً بقیه‌ی مجازات حبس به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. البته با این قید که مدت خارج از زندان چون جزء مدت محکومیت به شمار نمی‌آید از این محاسبه خارج است.

نتیجه‌گیری

نظام نیمه آزادی در زمره‌ی نهادهایی است که به کارگیری مؤثر آن می‌تواند از بسیاری آثار سوء کیفر حبس پیشگیری نماید و خط مشی سیاست کیفری را از نظامی سزاگرا به سمت نظامی آینده‌نگر تغییر دهد که مبتنی بر منافع اصلاحی اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری است. از آنجا که وضع چنین نهادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با الهام از حقوق کیفری فرانسه بوده است، در این تحقیق تلاش شد ضمن مقایسه‌ی این دو نظام حقوقی، مبانی فقهی موضوع کاویده شود. بر این اساس نتایج تحقیق را می‌توان به شرح ذیل ارایه نمود:

۱. در فقه اسلامی استفاده از مجازات حبس به عنوان ضمانت اجرای کیفری به ندرت در نصوص مورد پذیرش قرار گرفته است. از این رو، نظام نیمه آزادی همانند دیگر نهادها و جایگزین‌های حبس که بتواند به تقلیل قلمرو اجرای این مجازات یا آثار سوء آن بیانجامد، نه تنها با موازین اسلامی مغایرتی ندارد بلکه گامی مؤثر در انطباق بیشتر نظام کیفری با حقوق اسلامی خواهد بود.

۲. هر چند نظام نیمه آزادی با مشخصات کنونی، دقیقاً در فقه اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است، اما آموزه‌های شرعی و سیره معصومین (علیهم‌السلام) مبنی بر نگهداری محبوس در محل زندگی سایر اعضای جامعه در برخی موارد از یک سو و تجویز اعطای آزادی محدود به زندانی جهت انجام فعالیت‌های دینی، خانوادگی و شغلی در سایر موارد از سوی دیگر حکایت از ریشه‌های چنین نهادی در حقوق اسلام دارد.





۳. در حقوق جزای ایران، حکم به نظام نیمه آزادی به تشخیص دادگاه واگذار شده است که می‌تواند ضمن صدور حکم محکومیت یا در اثنای اجرای حکم بر پذیرش آن تصمیم بگیرد. در حقوق جزای فرانسه ضمن آنکه دادگاه حین صدور حکم اختیار اعطای نیمه آزادی را دارد، در اثنای تحمل حبس، قاضی اجرای مجازات نیز از چنین اختیاری برخوردار است.

۴. حکم به نیمه آزادی در حقوق جزای ایران بر خلاف حقوق جزای فرانسه مشروط به رضایت محکوم و گذشت شاکی است، که پذیرش شرط اخیر می‌تواند در بسیاری از موارد فرصت بهره‌مندی از چنین نهادهای اصلاحی را منتفی سازد لذا قابل نقد است.

۵. ضمانت اجرای تخطی محکوم از تعهدات در طول دوره نیمه آزادی در حقوق جزای فرانسه تبدیل آن به زندان باز یا نظارت الکترونیکی بنا بر تشخیص قاضی اجرای مجازات است. با وجود این قانون مجازات اسلامی در این خصوص سکوت اختیار نموده است و همین امر سبب تمسک حقوق دانان به قیاس موضوع با سایر نهادها مانند تعویق و تعلیق یا آزادی مشروط جهت توجیه الغای نظام نیمه آزادی شده است، که به نظر با وجود سکوت قانونی و منع تفسیر موسع قوانین کیفری به ضرر متهم چنین راهکاری تا زمان تعیین تکلیف از سوی قانونگذار و نه تصویب آیین‌نامه اجرایی قابل دفاع نیست.

منابع

۱. آماده، غلامحسین، ۱۳۸۹ش، اختیارات قضایی در تعیین مجازات: مطالعه تطبیقی حقوق ایران، مصر و انگلستان، تهران، نشر دادگستر، چ ۱.
۲. آنسل، مارک، ۱۳۸۸ش، از زندان تا کیفر زدایی، ترجمه محمد آشوری، دادنامه، ش ۲.
۳. _____، ۱۳۷۵ش، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳.
۴. ابن ادریس حلی، محمد، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۲، ج ۳.





۵. ابن بابویه قمی [شیخ صدوق]، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۴.
۶. ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز، ۱۴۰۶ق، المهدب، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۲.
۷. ابن زهره حلبی، سید أبوالمکارم حمزه بن علی، ۱۴۱۷ق، غنیه النزوع إلى علمی الاصول و الفروع، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱.
۸. أبوغده، حسن، ۱۴۰۷ق، أحكام السجن و معامله السجناء فی الإسلام، کویت، مکتبه المنار، ج ۱.
۹. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، ۱۳۹۶ش، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم، تهران، نشر میزان، ج ۳.
۱۰. اکرمی، روح الله، ۱۳۹۳ش، جزوه حقوق جزای عمومی ۳، دوره فقه قضای مدرسه علمیه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زیر نظر ریاست قوه قضاییه.
۱۱. _____، ۱۳۹۵ش، مقاله تحلیل فقهی حقوقی تعزیرات منصوص در: دانشنامه حقوق کیفری و جرم شناسی، تهران، گام حق، ج ۱.
۱۲. بولک، برنار، ۱۳۸۲ش، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجلد، ج ۱.
۱۳. بغدادی [شیخ مفید]، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید ره، ج ۱.
۱۴. پرادل، ژان، ۱۳۷۴ش، تاریخ اندیشه های کیفری، تهران، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج ۱.
۱۵. جبعی عاملی [شهید ثانی]، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۱، ۱۵.
۱۶. جعفرزاده، فخرالدین، ۱۳۸۶ش، اجرای احکام کیفری در حقوق فرانسه و ایران، تهران، انتشارات دادیار، ج ۱.
۱۷. حسینی شیرازی، سید محمد، بی تا، الرسائل الثلاث، بی جا، بی نا، بی جا، ج ۳.





۱۸. حلبی، ابوالصلاح تقی‌الدین، ۱۴۰۳ق، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علیه‌السلام، چ ۱.
۱۹. حلبی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۴۱۰ق، إرشادالأذهان إلی أحكام الایمان، قم، مؤسسه النشرالاسلامی، چ ۱، ج ۲.
۲۰. حلبی [محقق]، نجم‌الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، نشر اسماعیلیان، چ ۲، ج ۴.
۲۱. حیدری، علی‌مراد، ۱۳۹۴ش، حقوق جزای عمومی: بررسی فقهی حقوقی واکتش علیه جرم، تهران، سمت، چ ۱.
۲۲. خالصی، محمدباقر، ۱۴۱۳ق، أحكام المحبوسین فی الفقه الجعفری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱.
۲۳. دانش، تاج زمان، ۱۳۶۸ ش، حقوق زندانیان و علم زندان ها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.
۲۴. زراعت، عباس، ۱۳۹۳ش، حقوق جزای عمومی ۳، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ج ۲، چ ۱.
۲۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۱۳ق، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، چ ۴، ج ۲۹.
۲۶. سبحانی، جعفر، ۱۴۳۲ق، الحدود و التعزیرات فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه‌السلام، چ ۱.
۲۷. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، ۱۴۰۴ق، المراسم العلویه و الأحكام النبویه فی الفقه الإمامی، قم، منشورات الحرمین، چ ۱.
۲۸. سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۱۵ق، الانتصار فی إفرادات الإمامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱.
۲۹. شکری، رضا، ۱۳۹۶ش، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر مهاجر، ج ۱، چ ۲.





۳۰. شمس ناتری، محمد ابراهیم، و دیگران، ۱۳۹۳ش، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ج ۱، چ ۲.
۳۱. شوشتری، محمد تقی، ۱۴۰۶ق، النجعه فی شرح اللمعه، تهران، کتابفروشی صدوق، ج ۱، چ ۱۱.
۳۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، بی تا، التعزیر: أحكامه و حدوده، قم، نشر مؤلف.
۳۳. صالحی، محمد خلیل، ۱۳۹۵ش، تقریرات حقوق جزای عمومی ۲، دانشگاه قم.
۳۴. صدر، سید محمد، ۱۴۲۰ق، ماوراء الفقه، بیروت، دار الاضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۱، چ ۹.
۳۵. طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۱۸ق، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ج ۱، چ ۱۶.
۳۶. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، ۱۴۲۷ق، مسائل معاصره فی فقه القضاء، نجف، دار الهلال، چ ۲.
۳۷. طبسی، نجم الدین، ۱۴۱۶ق، موارد السجن فی النصوص و الفتاوی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱.
۳۸. طغرانگار، حسن، ۱۳۸۷ش، جایگزین های کیفر حبس در حقوق فرانسه، اصلاح و تربیت، ش ۷۶.
۳۹. طوسی [شیخ الطائفه]، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحكام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ج ۶ و ۱۰.
۴۰. _____، ۱۴۰۷ق، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۵.
۴۱. _____، ۱۳۸۷ق، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چ ۳، ج ۸.
۴۲. عاملی [شهید اول]، شمس الدین محمد بن مکی، ۱۴۱۰ق، اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه، بیروت، دار التراث دار الإسلامیه، چ ۱.





۴۳. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۲۲ق، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله: کتاب الحدود، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، چ ۱.
۴۴. _____، بی تا، جامع المسائل، قم، انتشارات امیر قلم، چ ۱۱، ج ۱.
۴۵. فاضل اصفهانی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۱۰ و ۱۱.
۴۶. کلینی، أبو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دارالحديث للطباعة و النشر، چ ۱، ج ۱۱ و ۱۴.
۴۷. کیدری، قطب الدین، ۱۴۱۶ق، إصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، چ ۱.
۴۸. گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلا، ۱۳۸۶ش، تاریخ تحول زندان، تهران، نشر میزان، چ ۲.
۴۹. لاریگیه، ژان، ۱۳۷۸ش، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، تهران، گنج دانش، چ ۱.
۵۰. مارتینز، رنه، ۱۳۸۵ش، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، تهران، انتشارات مجد، چ ۲.
۵۱. محسنی، محمد آصف، بی تا، القضاء و الشهاده، قم، مطبعه سیدالشهدا علیه السلام، بی چا.
۵۲. مدنی کاشانی، آقارضا، ۱۴۱۰ق، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
۵۳. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، ۱۴۲۷ق، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان، چ ۲، ج ۱.
۵۴. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، ۱۴۱۵ق، القصاص علی ضوء القرآن و السنه، قم، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی ره، چ ۱، ج ۱.





۵۵. مصدق، محمد، ۱۳۹۲ش، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چ ۱.
۵۶. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۱ق، فقه الإمام الصادق علیه السلام، قم، مؤسسه انصاریان، چ ۲، ج ۶.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ق، تعزیر و گستره آن، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۱.
۵۸. منتظری، حسین علی، ۱۴۰۹ق، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه، قم، نشر تفکر، چ ۲، ج ۲.
۵۹. ———، ۱۴۱۷ق، نظام الحکم فی الإسلام، قم، نشر سرایی، چ ۲.
۶۰. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، ۱۴۲۷ق، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید ره، چ ۲، ج ۳.
۶۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲ق، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، بی جا، ج ۴۲.
۶۲. ———، ۱۴۲۴ق، محاضرات فی الموارث، قم، مؤسسه السیطین علیهما السلام العالمیه، چ ۱.
۶۳. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۴۱۲ق، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم، دارالقرآن الکریم، چ ۱، ج ۳.
۶۴. ناصری، فرج اله، ۱۳۵۱ش، روش فرابر در اجرای مجازات، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱.
۶۵. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ ۷، ج ۴۲ و ۴۱.
۶۶. نوری [محدث]، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چ ۱، ج ۶.
۶۷. وائلی، احمد، ۱۳۶۴ش، احکام زندان در اسلام، ترجمه محمد حسن بکایی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱.





۶۸. وزارة الاوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۴۰۹ق، الموسوعة الفقهية، كويت، ذات السلاسل، ج ۲، ج

۱۶.

۶۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۸۰، زندان: ضرورت نه مجازات؟، تهران، مرکز مطبوعات

و انتشارات معاونت اجتماعی و اطلاع رسانی قوه قضاییه، ج ۱.

۷۰. Cassani, Ursula, (1983), De la dogmatique à la démagogie: une politique criminelle pragmatique, *Déviance et société*, pp. 171-180.
۷۱. Colin, Robert, (1954), L'éducation surveillée et le reclassement des mineurs délinquants, *Population*, pp. 635-654.
۷۲. Di Amato, Astolfo, (2011), *Criminal Law in Italy, the Netherlands*, Kluwer Law International, 1st Ed.
۷۳. Lopez-Rey, Manuel and Germain, Charles, (1964), *Études Pénologiques*, Netherlands, Springer, 1st Ed.
۷۴. Plawski, Stanislaw, (1973), Le contrôle judiciaire de l'application des peines en droit comparé, *Revue Internationale de droit comparé*, pp. 375-386.
۷۵. Ruggiero, Vincenzo; Ryan, Mick and Sim, Joe, (1995), *Western European Penal Systems: A Critical Anatomy*, London, Sage Publications Ltd, 1st Ed.
۷۶. Code de procédure pénale of France (2008)
۷۷. Code penal of France (1992)
۷۸. Provisional Criminal Code of Kosovo (2003)

